

ظهور منظرین زیرساخت آبی در شهرهای مراکش

آیدا آل هاشمی

دکتری معماری گرایش منظر، پژوهشگرده نظر

ayda_alehashemi@yahoo.com

چکیده

زیرساخت‌های آبی کشور مراکش همانند بسیاری دیگر از کشورهای منطقه به‌ویژه نواحی مسلمان‌نشین شمال آفریقا و خاورمیانه، شبکه‌هایی پیچیده و پیوندخورده با وجوه مختلف زندگی مردم را به نمایش می‌گذارد. امروزه هنوز شبکه‌های آبی در منظر شهرهای مراکش نقش پررنگی ایفا می‌کند و چشمه‌های آب با فرم و دستورات عملی یکسان در نقاط مختلف شهرهای شفشان، تطوان، طنجه، فاس و مکناس نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. کشف نحوه و چرایی بروز ویژه زیرساخت آبی در شهرهای مراکش سؤالی است که این پژوهش با تکیه بر مطالعات میدانی و توصیف و تحلیل مشاهدات میدانی در کنار بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، تلاش می‌کند پاسخی برای آن بیابد. بازدید از شهرهای مراکش و تأمل در ارتباط چشمه‌های آب با ساختار شهر و توپوگرافی آن نشان می‌دهد که چشمه‌های آب (محل مظهر آب) به‌عنوان آخرین حلقه از زیرساخت آبی در شهرهای مراکش تنها نقش عملکردی و تأمین آب شهر را بر عهده ندارد. تحلیل یافته‌های مشاهدات و قیاس آن‌ها باهم نشان داد که این مؤلفه‌های شبکه آبی منطبق بر توپوگرافی بستر شهر نقطه ثقل شکل‌گیری تأسیسات عمومی شهر، مراکز شهر و محلات و در لایه بعد در شکل‌گیری و سازمان‌دهی بافت‌های مسکونی به شمار می‌رود. این مؤلفه‌ها در کاربری‌های مهم شهری همچون مساجد، زاویه‌ها، حمام‌ها و ... در مراکز مهم شهر، مراکز محلات، ورودی بازار، ورودی‌های شهر و گشودگی‌های درون بازار حضور گسترده‌ای دارند. نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهد که علاوه بر نقش‌های تعیین‌کننده کالبدی در سازمان فضایی شهر، چشمه‌های آب با دستورات عمل زیباشناسی ویژه و فرم محراب‌گون در پیوند با ذهنیت و آیین‌های آشنای مردم مراکش نقشی هویتی و فرهنگی را در شهرهای مراکش بازی می‌کند. مقایسه و سنجش نتایج مشاهدات میدانی در مدینه شهرهای مراکش و مشاهدات میدانی از بقایای شهر رومن و ولیبیلیس در کشور مراکش به‌عنوان الگوی شهرسازی در این کشور، نحوه حضور چشمه‌ها، در سطح شهرهای مراکش که برگرفته از آیین‌های بومی و یا سنت‌های رومن جاری در شهرهای رومن منطقه شمال آفریقا بوده است را پاسخ می‌دهد.

واژگان کلیدی

زیرساخت آبی، منظر شهری، چشمه‌های آب، مراکش.

مقدمه

مختلف ظهور آن در مقیاس‌های مختلف فردی و اجتماعی در این بخش از کشور مراکش می‌پردازد. در این مسیر پس از بررسی نقش زیرساخت آبی در ساختارهای فضایی، اجتماعی و ذهنی شهرهای مراکش، به بررسی وجه زیباشناسانه و زبان مشترک فرمی-آیینی قابل‌توجه در این شبکه‌ها پرداخته که چشمه‌ها مشخصاً به‌عنوان آخرین حلقه از زنجیره زیرساخت آبی در شهرهای مراکش، محل نمود آن است. وجه قابل‌توجهی که با پیشرفت و تکرار در طی قرون، شبکه آبی شهرهای مراکش را از نمونه‌های مشابه کشورهای مسلمان در این سوی خاورمیانه (ایران و همسایه‌هایش) که زیرساخت‌های آبی با وجوه متنوع نقشی‌منظرین را در آن بازی می‌کنند، فراتر می‌برد. در تحلیل این بروز زیباشناسانه ویژه در زیرساخت‌های آبی شهرهای مراکش، مقاله با ارجاعات فرمی-تاریخی و فرمی-آیینی سنت این‌گونه برخورد را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

در این میان شیوه اصلی تحقیق مبتنی بر توصیف و تحلیل مشاهدات است و از مطالعات کتابخانه‌ای در اثبات فرضیات منتج از مشاهدات بهره‌گیری شده‌است.

مراکش کشوری است با دو اقلیم، بخشی که به اقیانوس و دریا می‌رسد آب و هوایی معتدل و در قسمت‌هایی مدیترانه‌ای دارد و قسمتی که آن سوی کوه‌های اطلس و هم‌جوار با صحرای بزرگ است، آب و هوایی خشک و بیابانی دارد. بخش معتدل مراکش یعنی قسمتی که بین غرب کوه‌های اطلس و اقیانوس اطلس قرار دارد، دشت‌های پهناور سرسبزی است که به‌وسیله رودهای جاری از کوه‌های اطلس یا ریف آبیاری می‌شود؛ دشت‌هایی که این رودخانه‌ها آبیاری می‌کنند مأمّن شهرهای بزرگ و مشهور مغرب است، از تانژه، تطوان، شفشان و مکناس تا مراکش، رباط، کازابلانکا و به‌ویژه فاس که نخستین شهر بناشده پس از اسلام در مراکش به شمار می‌رود و بر ساحل رودخانه سبو قرار دارد. در شهرهای واقع در این وادی‌های معتدل که فراوانی آب است و آب از سرچشمه‌های متعدد در آن می‌جوشد، شبکه‌ها و زیرساخت‌های آبی با زبانی نسبتاً مشابه‌ظاهرشده‌اند. امروز در بخش مدینه شهرهای مراکش که قدم می‌زنیم زیرساخت‌های آبی با نمود ظاهری یکسان بروز کرده و در منظر این شهرها نقش فعالی دارند. این مقاله مشخصاً با مطالعه شهرهای فاس، تطوان، مراکش و شفشان به بررسی و تحلیل زیرساخت‌های آبی و وجوه

پیشینه تحقیق

شناخت ساختارهای شهری انجام شد و به‌صورت ویژه ساختارها و زیرساخت‌های آبی به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم موردتوجه قرار گرفت. بازسازی لوله‌کشی‌ها و چشمه‌های آب در شهرهای تاریخی مراکش جزئی از برنامه یکپارچه احیا و بازسازی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود. با این‌وجود تحقیقات مستقل در شناسایی پیوند این شبکه‌های آبی با ساختارهای کالبدی، جغرافیایی و فرهنگی مردم مراکش و ارتباطات فرهنگی آن‌ها با جوامع ساکن در منطقه جغرافیایی مراکش پیش از شکل‌گیری سرزمین اسلامی مراکش سابقه‌ای در این پژوهش‌ها ندارد.

زیرساخت آبی در شهرهای مراکش

وجود آب فراوان یکی از اصول مهم بنای شهرها در مراکش بوده‌است. شهرهای فاس، شفشان، تطوان، مکناس، مراکش و... از نمونه‌های مهم مکان‌یابی بر این اساس است. همه این شهرها بر دامنه‌ها و دره‌هایی شکل گرفته‌اند که رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای فراوان آن‌ها را سیراب می‌کند. در مورد فاس به‌عنوان مثال که انتخاب موقعیت شهر نه‌تنها بر اساس قرار گرفتن بر شاه‌راه ارتباطی و تجارت که بر اساس قرارگیری بر مسیر آب انتخاب

شهرهای مراکش در تاریخ به‌عنوان شهرهای مهم سرزمین اسلامی موردتوجه و بازدید سیاحان و گردشگران اروپایی و اسلامی زیادی بوده‌است. نخستین متون در باب این شهرها را در سفرنامه‌های غربیان و نوشته‌های مورخین و متفکران اسلامی همچون «ابن خلدون» می‌توان یافت.

در قرن بیستم در مورد مدینه شهرهای مراکش اسلام‌شناسان مشهوری همچون «بورکهارت» و «نجم‌الدین بمان» اشارات، کارهای تحقیقی و کتاب‌های قابل‌توجهی دارند. این کتاب‌ها اگرچه مستقیماً به سیستم آبی شهرهای اسلامی کشور مراکش نمی‌پردازد ولی به‌ویژه با توصیفات گاه اغراق‌آمیز حضور آب در این شهرها سرنخ‌هایی را برای شناخت زیرساخت‌های آبی مراکش به دست می‌دهند. در قرن بیستم به‌صورت ویژه فرانسویان با مطالعه بر روی ساختارهای شهرهای مراکش تلاش در شناخت ساختارها و نظام حاکم بر شهرسازی داشتند که البته همچنان توجه ویژه به زیرساخت آبی به‌عنوان عاملی کلیدی در شکل دادن ساختار فضایی این شهرها مشاهده نشد.

با آغاز برنامه‌های بازسازی و احیا شهرهای مراکش به‌ویژه در شهر فاس از دهه ۱۹۷۰ میلادی مطالعات عمیق‌تری برای

شد، رودخانه سبو (رودخانه فاس) منشأ این آب است و به سرعت شبکه‌ای پیچیده از تقسیم و پخش آب را در شهر شکل داد. مجرای مروارید گونه و به منزله جواهر منابع حیاتی، در فاس آب از همه جا می‌تراود. در مساجد به صورت آینه‌هایی صاف و شفاف برای وضو گرفتن، در کانال‌ها برای کشاورزی و به صورت چشمه‌ها و بناهای یادبود (مونومنتال) که بر روی دیوارها ساخته شده و با کاشی‌کاری‌های مزین به آرابسک^۳ شکل داده شده‌اند. زلیچ‌ها امروز مجراهایی که آب را هدایت می‌کنند به صورت خط خاکستری ضخیمی طرح‌های رنگی آرابسک را سد می‌کنند. اما این خط به صورت جزء لاینفک مجموعه‌ای از چشمه و کوچه‌های اطراف و خانه‌های قدیمی تشکیل شده است» (بمات، ۱۳۹۳: ۱۴۹-۱۵۰). در جایی دیگر آمده است «رودخانه مرواریدگون در دشت سمت غرب شهر ظاهر می‌شود، تقریباً شصت مایل دورتر، از تقریباً ۶۰ چشمه‌سار جدا از هم. آب گوارایش، که بر روی شن‌های درخشان می‌لغزد، برای نظاره و تماشا فوق‌العاده است. جریان آب تا قبل از نقطه‌ای که وارد شهر می‌شود به سختی مشخص است. در این نقطه آب به درون مجموعه‌ای جویبار می‌شکند که در نواحی مختلف شهر جاری شده، آب چشمه‌های مساجد، کوچه‌ها و

فضاهای شخصی را تأمین می‌کند؛ خانه‌ها، سنگ‌های آسیاب را می‌چرخاند، حمام‌ها را پر می‌کند، باغ‌ها را آبیاری می‌کند و در حین خروجش از شهر، تمام ناپاکی‌ها و پس‌مانده‌ها را با خود می‌برد» (Kahera, 2012: 14 به نقل از al Jazna'i). به این ترتیب در شهر فاس آب از منبع آب که رودخانه است وارد شهر شده، در ورودی شهر تقسیم و در کانال‌های آب به محلات مختلف شهر هدایت می‌شود. این شبکه در حین تأمین آب مورد نیاز صنایع و فعالیت‌هایی چون دباغ‌خانه^۴ (در شهر فاس)، آسیاب‌های آبی^۵ و حمام‌ها، در نقاطی از شهر که شیب و توپوگرافی اجازه ظهور آب را می‌دهند به صورت چشمه‌هایی تزئین شده در دیوارهای شهر یا در خانه‌ها (تصویر ۱)، یا کانال‌هایی روباز در مدارس و مساجد (مدرسه ابوعنانه در شهر فاس)؛ (تصویر ۲) و یا چشمه‌هایی جوشان در مرکز حیاط مدارس، مساجد، زاویه‌ها و آرامگاه‌ها (مسجد قراوین و زاویه مولایی ادیس در شهر فاس)؛ (تصویر ۳) ظاهر می‌شود. در نهایت کانال‌های آب در انتهای شهر به هم پیوسته از شهر خارج شده در امتداد رودخانه آلودگی‌ها و فاضلاب را از شهر بیرون می‌برد. تقریباً در تمامی شهرهای مراکش که در مغرب رشته‌کوه‌های اطلس قرار دارد زیرساخت آبی به همین صورت



تصویر ۲. کانال آب که در حیاط مدرسه ابوعنانه در شهر فاس به صورت روباز عبور می‌کند. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱. سقایه السیاج در شهر فاس. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.

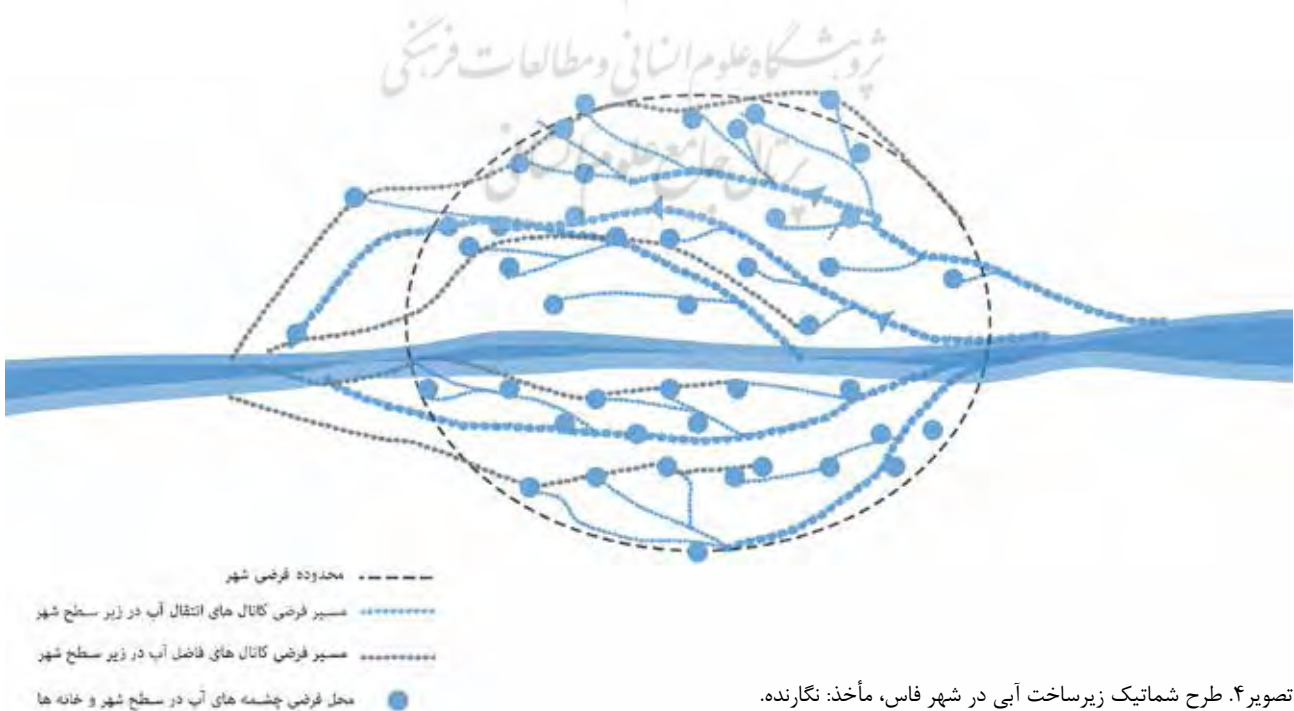
در شهرها ظهور پیدا کرده است. امروز در شهرهای تطوان، تانزه، شفشان، مراکش و مکناس همین ساختار از زیرساخت آبی قابل شناسایی است. سیستمی آبی که هنوز در مدینه‌های شهرهای مراکش به زندگی خود ادامه می‌دهد و آب هنوز از سقابه‌های آن به صورت سنتی و در بعضی موارد با پمپ و شیر جاری است (تصویر ۴).

چشمه‌ها در شهرهای مراکش

چشمه‌ها به عنوان آخرین حلقه از زنجیره شبکه‌های آبی در شهرهای مراکش و محل ظهور آب در سطح شهر، فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی است، در منظر شهرهای مراکش نهایت جلوه‌گری را دارند. محل ظهور آب، رابطه آن با سازمان فضایی شهر و کاربری‌های عمومی شهر و همین‌طور نحوه ظهور و زبان فرمی و زیباشناسانه ویژه آن که در تمام شهرهای مراکش به صورت چشمگیری تکرار می‌شود، موارد قابل توجهی است که این مقاله مشخصاً در شناخت ابعاد مختلف نقش زیرساخت آبی در شهرهای مراکش به آن‌ها می‌پردازد. این چشمه‌های یک‌شکل در شهرهای مختلف مراکش با اسامی مختلفی ظاهر شده‌اند: ۱- سقابه (در شهرهای فاس و مراکش): هم مصدر است به معنی آب دادن و هم به معنای وسیله و پیمان‌های است که با آن آب می‌دهند و هم به معنای ظرف بزرگ یا حوضی است که آب در آن می‌ریزند. { اِسْـیَـ } (ع ا) پیمان‌های آب و ظرفی که در آن آب خورند. مشربه که به وی آب خورند. (مجمّل اللغه) (ترجمان القرآن ترتیب عادل بن علی). پیمان‌های. (قاضی زنجی سنجرى، بی تا)



تصویر ۳. چشمه میانی زاویه مولایی اداریس در شهر فاس.
عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۴. طرح شماتیک زیرساخت آبی در شهر فاس، مأخذ: نگارنده.

چشمه و در مواردی محدود و کوچک‌تر تنها محل ظهور چشمه و یک یا دو دکان است. آنجا که آب بر زمین ظاهر می‌شود نقطه شکل‌گیری تأسیسات عمومی شهر و شکل‌گیری مراکز محلات و در لایه بعد بافت‌ها و اندام‌های شهرهای مراکش است. خوانش منظر شهرهای مراکش بر اساس ظهور منابع آب در بافت شهر نشان می‌دهد که سازمان‌دهی فضایی شهرهای مراکش به‌شدت از بستر طبیعی و توپوگرافیک شهر و به‌تبع آن از جریان هدایت و ظهور آب پیروی می‌کند. این پیوند و حضور چنان است که شما ناخواسته با ورود به هر گشایش یا ساباطی در شهرهای مراکش انتظار دیدن سقایه‌ها در گوشه‌ای از فضا را دارید و چنین نیز می‌شود. این تکرار و حضور فعال و دائم عنصری مهم از زیرساخت آبی در تمام سطوح شهر، با درجات مختلف در میدانی اصلی یا حکومتی و یا در مقابل دروازه‌های اصلی شهر سقایه‌ها با تزیینات قابل توجه و در مقیاس عظیم حضور دارند و برعکس در تقاطع‌های

(صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸). آوندی که بدان آب دهند. آنکه در مساجد خزانه آب می‌باشد باید که آن‌ها سقایه گویند و اینکه مردم سقاوه گویند خطا باشد. جای آب (قاضی زنجی سنجر، بی‌تا). جای آب خوردن (صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸). ۲- قنا (در شهر تطوان): کانال یا مجرای آب، قنات، ترعه، زه آب، مجرای فاضلاب، کاریز، آبراه، ترعه‌زدن، حفر ترعه‌کردن، آبراه ساختن، شیاردار کردن، دریا، کندن (مجرا یا راه)، هرگونه نقل و انتقال چیز یا اندیشه و نظر و غیره، ترعه، مجرا، خط مشی. کاریز یا کاریز که بر زمین باشد (صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸)؛ (قاضی زنجی سنجر، بی‌تا). ۳- سبیل (در شهر شفشان): راه یا راه آشکار. راه و روش یا به‌طور عام (صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸). ۴- عین (در چند نمونه در شهر شفشان): جمع اعیان و عیون: چشمه آب (معین)، مشک نو و مشک‌کی که آب آن جاری شود (صفی پوری شیرازی، ۱۳۸۸)، مخزن آب، مجرای آب قنات (قاضی زنجی سنجر، بی‌تا). در این نوشتار از این مؤلفه‌ها بانام سقایه یاد شده است.



تصویر ۵. قنا سیدی الصعیدی در محل تقاطع سه معبر و چسبیده به زاویه سیدی الصعیدی در اوایل قرن ۱۸ احداث شده است. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.

بروز مکانی سقایه‌ها و نقش زیرساخت آبی در ساختار فضایی شهرهای مراکش

به لحاظ مکانی در شهرهای مراکش سقایه‌ها در نقاط مشخصی از شهر ظاهر می‌شوند: در مقابل یا مجاور دروازه‌های ورودی شهر، در میدانی شهری، در ورودی بازارها و گشایش‌های فضایی درون بازار، در محل تقاطع چند مسیر (گشایش‌های فضایی) در زیرساباط‌ها و یا مراکز محلات در کنار مساجد، مدارس، حمام‌ها، همین‌طور مقابل در مساجد در کوچه‌ها و یا در حیاط زاویه‌ها و مساجد به چشم می‌خورند. در واقع به لحاظ توپوگرافیک آنجا که امکان هدایت آب و خروج آب از چشمه‌ها وجود داشته است و درواقع محل تقاطع چند مسیر است به‌عنوان مراکز محلات محل شکل‌گیری و تجمع کاربری‌های عمومی مسجد، مدرسه، حمام و



تصویر ۷. قنا روبروی باب العقلا در شهر تطوان. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۶. مرکز محله‌ای در شهر فاس. حضور سقایه، مغازه‌ها در اطراف محل تقاطع چند مسیر الگویی رایج در مراکز محلات در شهرهای مراکش است. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۸. کاروانسرای النجاریین در شهر فاس، میدان چه مقابل سردر ورودی و سقایه موجود در این میدانچه. مأخذ: www.cdn.saaih.com



تصویر ۹. جایگاه چشمه یکی از چشمه‌های آب در حیاط مسجد جامع القرویین در شهر فاس. عکس: آیدا آل‌هاشمی، ۱۳۹۵

کوچک در محلات و یا در زیر ساباطها و یا در مقابل بعضی مدارس یا مساجد و یا حتی کنیسه‌ها متناسب با فضا سقایه‌ها در مقیاس کوچک و با تزییناتی کمتر حضور دارند؛ (تصویر ۶ و ۷)، سقایه‌ها را به عنصری نشانه‌ای و هویتی در منظر شهرهای مراکش تبدیل کرده است.

بروز مکانی سقایه‌ها و شکل‌گیری نقاط شاخص و کاربری‌های مهم شهری و مذهبی

در کنار این تأثیر زیرساخت آبی در شکل‌گیری و مکان‌یابی تأسیسات عمومی و کاربری‌های شاخص شهری، حضور هدفمند و دائمی چشمه‌ها در مقابل دروازه‌های ورودی شهرها، کاربری‌های مقدس و محترمی چون مدرسه، مسجد و زاویه که الزاماً در نقاط برخورد دو یا چند مسیر و در مراکز محلات قرار ندارند، نشان از ارتباط قوی و پیوند جدایی‌ناپذیر سقایه‌ها با کاربری‌های مهم و مقدس شهر است (تصویر ۸). در مرکز حیاط زاویه‌ها، مساجد و مدارس آب به‌صورت فواره در حوضی گلدانی شکل و یا به‌صورت استخر کوچک آب ظاهر می‌شود (تصویر ۹).

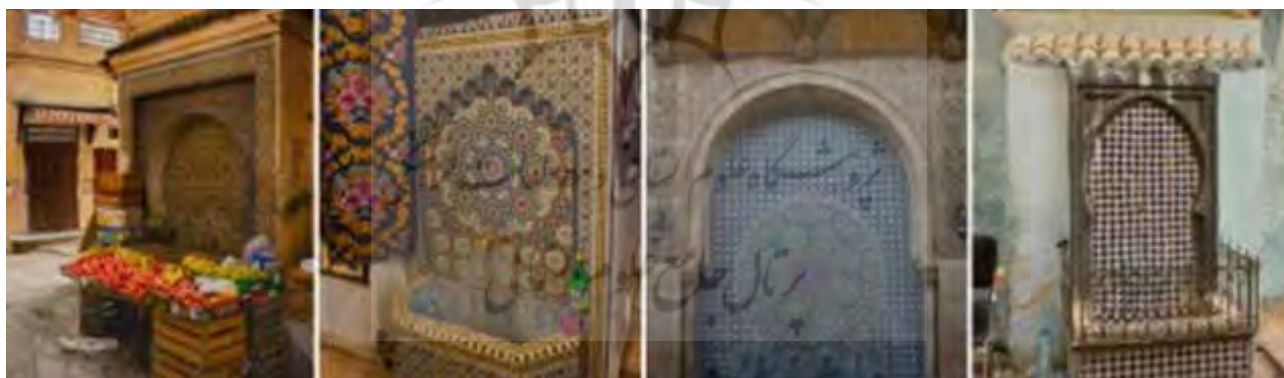
جایگاه ذهنی و ارتقا زیرساخت آبی از امری عملکردی به مؤلفه‌ای منظرین در شهرهای مراکش

اهمیت و جایگاه آب به‌عنوان عنصری محترم نزد مسلمانان اهمیت آن را به‌عنوان عنصری حیات‌بخش به شفابخش و مؤلفه‌ای در زدودن پلیدی‌ها تبدیل کرده است. در تمدن اسلامی آب معنی و مفهوم قوی پیدا می‌کند، این همان آبی است که با آن وضو می‌گیرند، کشاورزی می‌کنند، آبی که هر ناپاکی را پاک می‌کند، بیماران را شفا می‌دهد و عطش انسان تشنه را فرو می‌نشانند. آبی که به شکل باران نازل می‌شود و اراضی خشک و به‌ظاهر مرده را احیا می‌کند. جای تعجب ندارد که شهرهای کشور مراکش به‌سادگی از کنارش نگذرند و با دقت و توجه شهرهایشان را در کنار آن شکل داده و توسعه دهند. در شهرهای مراکش نحوه ظهور آب جایگاه والای آن را می‌نماید: با تزیینات و آرایش ویژه. آب در بناهای شاخص و مقدس نقشی مهم بازی می‌کند در مساجد و مدارس و در زاویه‌ها آب عنصر اصلی شکل‌دهنده به فضاهای حیاط است. آب عنصری جداناپذیر از مجموعه‌های مذهبی شهرهای مراکش است (مجموعه بن یوسف در مراکش). در این مجموعه آب نه تنها شکل‌دهنده و عامل وجودی شکل مجموعه‌های مقدس است بلکه در مواردی آب خود به عنصر مقدس تبدیل شده و به‌عنوان عنصری محترم و شفابخش مورد توجه قرار می‌گیرد (چشمه مرکزی در حیاط زاویه مولایی ادریس در شهر فاس، نمونه چنین حضوری است).

زبان مشترک فرمی و زیباشناسانه حاکم بر سقایه‌ها

تا اینجا حضور زیرساخت‌های آبی در شهر مراکش به‌عنوان زیرساختی چندوجهی و چند عملکردی تقریباً مشابه اتفاقی است که در شهرهای محدوده سرزمینی ایران افتاده است. در شهرهایی چون لار، سمنان، بخارا که در آن‌ها نیز نقش چندوجهی این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری ساختار فضایی شهرها، مکان‌یابی کاربری‌های عمومی و مقدس و همین‌طور پیوند آن‌ها با ذهنیات و آیین‌های مردمی، نقشی چندوجهی برای آن مؤلفه‌ها تعریف می‌کند و آن‌ها را از مؤلفه‌های صرف طبیعی- کارکردی به مؤلفه‌هایی طبیعی- جغرافیایی و آیینی- فرهنگی و فردی- اجتماعی تبدیل می‌کند. اما یک اتفاق فرمی و زیباشناسانه مؤلفه‌های زیرساخت آبی را در شهرهای مراکش به مؤلفه‌هایی فعال و نشانه‌ای در منظر شهری تبدیل می‌کند (تصویر ۱۰). اتفاقی که اگرچه به‌عنوان مثال در شهر بخارا با فرم هم‌ه‌مانگ حوض‌ها و استخرها (تصویر ۱۱) و یا در لار با فرم نسبتاً مشابه برکه (تصویر ۱۲) می‌افتد. اما اینجا در مقیاسی فراتر و با زبانی پرمطراق سقایه‌ها به‌عنوان بروز نهایی آب در شهر و آخرین حلقه از زنجیره زیرساخت آبی با توجهات زیباشناسانه و ساخت فرمی خاص و تکرارشونده در منظر شهرهای مراکش حضور دارند. همین توجه، این سیستم آبی را حامل نقش و معنایی می‌سازد که در نمونه‌های زیرساخت‌های آبی در ایران و حتی نمونه پیشرفته‌ای چون بخارا^{۱۰} کمتر شاهد هستیم.

به دنبال ریشه نحوه حضور سقایه‌ها در شهرهای مراکش اینکه چرا آب به این صورت فرمی خاص (به‌صورت قاب‌شده در میان طاق‌نمایی کنده‌شده بر دیوار) بروز پیدا می‌کند، سؤال است که از نخستین برخوردها با شهرهای مراکش پیش می‌آید و تکرار دائم این دستورالعمل این مسئله را پررنگ‌تر می‌سازد. فاس به‌عنوان اولین نمونه شهرهای اسلامی در سرزمین مراکش^۷ می‌تواند الگویی باشد برای سایر شهرهای ساخته‌شده در قرون بعدی. شهری که توسط ادریس بنا شد، اقامت ادریس در وولیبیلیس و نقش او در بازسازی و توسعه شهر وولیبیلیس پیش از اینکه پایتخت را به فاس منتقل کند، تأثیرات شهرسازی رومن در ساخت شهر فاس را قابل قبول می‌سازد^۸ امروز ویرانه‌های وولیبیلیس که بیش از نیمی از اندازه واقعی شهر قدیم نیست، در پای کوه‌های جبل زرهون در نیمه مسیر فاس تا مکناس قرار دارد و نمونه‌ای از زیرساخت‌های آبی پیشرفته رومن را به نمایش می‌گذارد: آب از طریق کانال‌های سواره به شهر می‌آید، کانال سواره انتقال آب به شهر وولیبیلیس هم‌زمان با ترک آفریقا توسط رومن‌ها در سال ۲۸۵ میلادی ویران شد و زمینه‌ساز مهاجرت ساکنین شهر و شکل‌گیری شهری جدید در غرب دروازه پیروزی بود (WHLV, 1996)، آب از طریق کانال‌های سرپوشیده در شهر تقسیم می‌شود، هر محله به‌صورت ویژه لوله‌های سفالین توزیع آب دارد، که آب را به حمام‌ها، چشمه‌های عمومی،



تصویر ۱۰. دستورالعمل مشابه در تزئینات و فرم در سقایه‌های مراکشی با مقیاس‌های مختلف و در مکان‌های مختلف عمومی و خصوصی. عکس: ایدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۱. دستورالعمل مشابه فرمی در برکه‌های آب در شهر لار. مأخذ: <http://larestankohan.ir/post.php?id=9996>



تصویر ۱۲. دستورالعمل مشابه در حوض‌های آب در شهر بخارا به‌عنوان آخرین حلقه از زیرساخت آبی در شهر. مأخذ: Timur and Mankovskaja, 1991

تبدیل شود. به همین دلیل است که هیچ‌گاه به حال خود رها نشده و با توجهات ویژه‌ای و تزئینات فراوان در شهرهای مراکش خودنمایی می‌کند. آب را در سقایه‌ها قوس‌های تزئینی مراکشی با کاشی‌کاری‌های پرطمطراق قاب می‌کند. این اتفاق در فضاهای مهم شهری در ارتباط با میدانی اصلی شهر، مراکز محلات و در چشمه‌های زاویه‌ها و مساجد و گاهی با تزئیناتی فاخر در حیاط خانه‌ها تکرار می‌شود. فرم قوس مراکشی کنده‌شده در دیوار با کاشی‌کاری و گاهی با گچ‌بری در قیاس با آنچه در محراب مساجد و مدارس در شهرهای مختلف مراکش دیده می‌شود معنا می‌یابد. بررسی‌های این نوشتار نشان داد که زیرساخت‌های آبی در شهرهای مراکش وجوه چندگانه و نقش چندبعدی در ساختار شهرهای مراکش بازی می‌کند:

در هماهنگی با توپوگرافی و وضعیت طبیعی بستر طبیعی شکل‌دهنده به مراکز محلات و مجموعه تأسیسات عمومی شهر است. در پیوند با کاربری‌های مقدس و محترم در شهر حضور دارد. در مواردی آب چشمه مقدس شمرده می‌شود. در مراکز تجمع، ساباط‌ها، تقاطع مسیرها و گشایش‌های فضایی قرار دارد. در ورودی‌های شهر و در ورودی‌های بازارها قرار دارد. با فرمی

همسایگی‌های محلی، معابد، تئاتر و ... می‌رساند و به‌این‌ترتیب در سطح شهر آب پاک برای مصارف مختلف در اختیار عموم قرار می‌گیرد (Crouch, 2001; Feldan, 2014). بقایای کانال‌های سرپوشیده آب هنوز در ویرانه‌های شهر وولیبیلیس به‌ویژه در وسط خیابان اصلی شهر پیداست. بازدید از ویرانه‌های شهر وولیبیلیس ریشه ظهور این‌گونه آب در طاقچه‌های کنده‌کاری‌شده بر دیوار شهرهای مراکش را نشان می‌دهد: دروازه تانژه (طاق نصرت کاراکالا^۱) که به خیابان اصلی شهر منتهی می‌شود از محدود دروازه‌های باقی‌مانده در این شهر است دیوار اطراف دروازه کاملاً فروریخته اما بقایای دروازه ورودی شهر که مانند طاق نصرت احداث شده است توجه را به خود جلب می‌کند. در بدنه این طاق پیروزی در دو سوی طاق اصلی که محل عبور است، دو طاق‌نمای سنتوری در دیوار کنده و حک‌شده است، زیر این دو سنتوری دو حوضچه قرار دارد و در دیوار این طاق‌نماهای سنتوری شکل، دو سوراخ دیده می‌شود که حکایت از خروج آب دارد. این‌ها دو چشمه هستند که در دیوار ورودی شهر احداث‌شده‌اند و زمانی مانند چشمه‌های امروزی شهرهای مراکش محل ظهور و نمایش آب بوده‌اند. مروری بر بقایای سایر شهرهای رومن و پیش از آن یونانی در سراسر قلمرو پیشین امپراتوری روم آثاری مشابه این دستورالعمل ظهور آب را به نمایش می‌گذارد با طاق پیروزی با دو چشمه در کنارش و همین‌طور چشمه‌های حک‌شده در دیوارهای عمومی شهر را نشان می‌دهد (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳. دو چشمه آب در طاقچه‌ای بر دیوار دروازه شهر وولیبیلیس. عکس: آیدا آل هاشمی، ۱۳۹۵.

سقایه‌ها؛ تکرار فرمی مقدس در منظر شهرهای مراکش
آب در سرزمین مراکش به‌عنوان کشوری مسلمان مورد احترام و توجه همیشگی بوده‌است. آب از عنصری کالبدی برای این مردم به عنصری ذهنی و دارای بار معنایی ارتقا یافته‌است. همین توجه غیرمادی به آب موجب شده تا به عنصری که به‌صورت سمبلیک نشانی از پاکی و زدودن پلیدی را با خود همراه دارد،

آب را به شهر و مردم شهر عرضه می‌کند. در میدان‌های حکومتی و اصلی شهر با مقیاس قابل توجه و تزیینات فراوان حضور پیدا می‌کند.

یکسان در سطوح عمومی و خصوصی حضور پیدا می‌کند. با رویکرد زیبا شناسانه خاص و ویژه در شهر تکرار می‌شود. آخرین مؤلفه زیرساخت آبی با بهره‌گیری از فرم و تزیینات آشنا و مقدس

نتیجه‌گیری

شهرهای مراکش به معنای واقعی کلمه چنین هستند. زیرساختی که ابعاد زیباشناسه و بروز فرم خاص آن در این شهرها، آن‌ها را به مؤلفه‌هایی پررنگ در منظر این شهرها تبدیل کرده و خوانش نقش پایه آن‌ها در شکل‌گیری شهر، مجموعه‌های مسکونی و مراکز و مجموعه‌های عمومی شهر را قابل توجه کرده‌است. زبان فرمی ویژه سقایه‌ها (خروج آب از قاب طاق مانند حک شده بر دیوار) به‌عنوان آخرین حلقه از شبکه آبی در شهرهای مراکش ادامه سنت رومن است که پیش از اسلام در شهرهای رومن این سرزمین رواج داشته (به‌ویژه شهر وولیبیلیس که امروز بقایای آن در نزدیکی شهر فاس پابرجاست) و در ترکیب با فرم آیینی و مقدس محراب‌گونی است که در محراب مساجد و مدارس شهرهای مراکش تکرار می‌شود. این زبان فرمی که احترام آب در ترکیب با فرم مقدس محراب را نشان می‌دهد، زیباشناسی ویژه‌ای برای سقایاها در شهرهای مراکش ایجاد کرده که تکرار این فرم مقدس در ارتباط با آب در مقیاس‌های مختلف در سطح فضاهای عمومی و خصوصی شهر، این عناصر را به عناصری منظرین در شهرهای مراکش تبدیل کرده است.

نتایج بررسی این نوشتار نشان داد که این شبکه چند عملکردی نقشی فراتر از کارکرد تأمین در شهرهای مراکش بازی می‌کند. نقشی چندگانه که به‌واسطه ارزش چندوجهی آب در بین مردم به وجود آمده‌است. همان‌طور که نجم‌الدین بemat هم اشاره می‌کند آب در این شهرها (در اشاره به شهر فاس و مردم مسلمان آن) هم مادی و هم غیرمادی است. همین ارزش آب است که شبکه و زیرساخت آبی در این شهرها را به شبکه‌ای منظرین تبدیل می‌کند. شبکه‌ای که از شبکه کالبدی توزیع آب فراتر رفته در منظر شهرهای مراکش نقشی بنیادی بازی می‌کند. آب و شبکه آبی و نحوه بروز و ظهور آن در شهر آن‌ها به مؤلفه‌ای فردی، اجتماعی، طبیعی، سمبلیک، فرهنگی، جغرافیایی تبدیل کرده‌است. این زیرساخت آبی و به‌ویژه آخرین مؤلفه شکل‌دهنده به آن (سقایه‌ها) در سطح شهرهای مراکش به میانجی‌ای میان سوژه و ابژه تبدیل می‌شود و خوانش کالبدی و ذهنی شهرهای مراکش را ممکن می‌سازد. اگر ما پدیده‌هایی که به‌صورت هم‌زمان عینی و ذهنی هستند را پدیده‌هایی منظرین بنامیم، پدیده‌هایی که نقش‌های چندبعدی کارکردی و زیباشناسه، عملکردی و آیینی و طبیعی و سمبولیک به خود گرفته‌اند. مجموعه شبکه‌های آبی در

پی‌نوشت

۱. این رودخانه‌ها به ترتیب از شمال به جنوب عبارت‌اند از رود اولکس، رود سبو که شاخه‌های زیادی دارد و فاس و مکناس برکنار آن شکل گرفته‌اند، وادی ابوقراب یا بورجرج، وادی وادی ام ربیع، وادی تنسیف که شهر مراکش در کناره یکی از شاخه‌های آن واقع است، و وادی درعه که در منتهی‌الیه جنوبی قرار دارد (مونس، ۱۳۹۲: ۱۸).
۲. شورای شهر و اداره آب و برق شهر فاس در جریان بازسازی و احیاء شهر فاس بیش از ۷ کیلومتر از کانال‌های تاریخی شهر را که بخش عمده‌ای از کانال‌کشی آب شهر در قرن ۱۰ میلادی بود را بازسازی کرد. همچنین پروژه، بازسازی چشمه‌ها و آب‌نماهای عمومی شهر را در برمی‌گرفت (Radoine, 2008).
۳. ارابسک واژه ناصحیحی است که برای نامیدن نقوش گیاهی در تزیینات بناهای کشورهای اسلامی توسط غربیان به کار می‌رود و به‌اشتباه نقوش را متعلق به کشورهای عربی می‌نامد در صورتی که این نقوش پیشینه‌ای در کشورهای غیرعربی منطقه خاورمیانه از جمله ایران دارد.
۴. دباغ‌خانه‌ها در شهر فاس در خط‌القعرها و گودی‌های شهر- آنجا که آب بر آن سوار می‌شود- و مجاور رودخانه شکل گرفته‌اند.
۵. فاس درجایی پر از چشمه‌های آب که آب این رودخانه را تأمین می‌کند. همین وفور آب زمینه رشد را برای این شهر فراهم آورد. از سوی دیگر به پاکیزگی و نظافت شهر کمک می‌کرد. بعلاوه این امکان را به مردم داد تا در برخی قسمت‌های شهر آسیاب‌های آبی بسازند (مونس، ۱۳۹۲: ۳۸۵).
۶. در بخارا اگرچه حضور آب در شهر در حوض‌هایی با دستورالعمل مشابه (حوض‌های ۸ وجهی با پله‌های سنگی) در سطح شهر حضور می‌یابد، اما زبان تزیین و فرم معنادار در آن‌ها کمتر مشخص است و کمتر مورد تأکید است. در نمونه‌ای چون سمنان باوجود پیشرفت فراوان در بعد اجتماعی و در توسعه و نفوذ زیرساخت آبی در مناسبات اجتماعی و مذهبی ساکنان شهر، استخرهای اصلی ذخیره آب اصولاً فرم خاصی ندارند و به‌صورت ارگانیک و بدون نشانه‌ای خاص در ابتدای محلات پنج‌گانه شهر حضور می‌یابند (تصویر ۱۳).

۷. تا پیش از فاس شهرهای دوره اسلامی مراکش چیزی نبودند جز قصبه‌های کوچک نظامی- مذهبی. شکل‌گیری شهر در سرزمین مراکش هم‌زمان بود با دوره ادريس، کسی که ابتدا به بازسازی و توسعه شهر رومن وولیبیلیس پرداخت و پس‌از آن در قرن ۹ میلادی فاس را بنا نهاد. شهرهای مشهور دیگر مراکش از جمله شهر مراکش در قرن ۱۱ در دوره المرابید و پس‌از آن به ترتیب شهرهای کوچک و بزرگ در کنار ساحل و در میان وادی‌ها در مسیرهای تجاری شکل گرفتند. (tsugitaka,2009:114).

۸. در سرزمین مراکش تا پیش از سده هفت میلادی که مسلمانان شروع به فتح آن کردند، رومیان و پس‌از آن بیزانسیان حاکم بودند. این جماعت در دشت ساحلی متمرکز بودند و با سکنه بومی آن درآمیخته بودند. پیش از آن‌ها یونانیان نیز همین کار را کردند. از بقایای حضور رومیان در مراکش شهر وولیبیلیس است. شهری که زمان ساخت آن به قرن ۳ پیش از میلاد در زمان امپراتوری موریتانی می‌رسد و تا سال ۴۰ پس از میلاد پایتخت این امپراتوری بوده است. با پیوستن پادشاهی موریتانی به امپراتوری روم، شهر وولیبیلیس به شهر مهمی در امپراتوری روم تبدیل شد، به نهایت توسعه‌اش رسید و بناهای عمومی و خصوصی فراوانی با ۸ دروازه و دیوار مستحکم در آن احداث شد. به‌ه‌رتقدیر در سال ۲۸۵ میلادی امپراتوری روم شمال آفریقا را ترک کرد و دوران تاریک وولیبیلیس آغاز شد و تا دوران ادريس اول ادامه یافت (WHLV,1996) وولیبیلیس در ۷۸۹ پس از میلاد پایتخت ادريس اول شد.

۹. Triumphal Arch of Caracalla

پی‌نوشت

• این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی مراکش» است که در سال ۹۵ و ۹۶ در پژوهشکده نظر انجام و سفر مطالعاتی آن به مقصد ۱۲ شهر مراکش در شهریور ۹۵ برگزار شد.

فهرست منابع

- بمت، نجم‌الدین. (۱۳۹۳). شهر اسلامی. ترجمه: حلیمی، محمدحسین. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- مونس، حسین. (۱۳۹۲). تاریخ و تمدن مغرب. ترجمه: شیخی، حمیدرضا. تهران: انتشارات سمت.
- صفی‌پوری شیرازی، عبدالرحیم ابن عبدالکریم. (۱۳۸۸). لغتنامه منتهی‌الارب. تصحیح و تعلیق: فوادیان، محمدحسن. حاجیان نژاد، علیرضا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی‌زنجی‌سنجری، محمودبن عمر بن محمودبن منصور. (بی‌تا). مذهب الاسماء فی مرتب الاشياء. محمدشاه. (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج. تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- Crouch, D.P & Ortloff, C.R. (2001). The Urban Water Supply and Distribution System of the Ionian City of Ephesos in the Roman Imperial Period. *Journal of Archaeological Science* 28: 843–860.
- Kahara, A. I. (2012). *reading the islamic city” Discursive Practices and Legal Judgment*. London: Lexington Books.
- Personal of Fez Master Plan.(1980). *Fez: The Ideal and the Reality of the Islamic City. In Architecture as Symbol and Self-Identity*, edited by Jonathan G. Katz. Philadelphia: Aga Khan Award for Architecture.
- Radoine, H. (2008). Urban Conservation of Fez-Medina: A Post-Impact Appraisal. *Global Urban Development Magazine*. 4(1). available from : <http://www.globalurban.org/GUDMag08Vol4Iss1/Radoine.htm>.
- Timur and Mankovskaja, LY Pulatov. (1991). *Bukhara:Muzei pod Otkrytym Nebom (Bukhara the museum in the open)*. Tashkent: Gafer Gulyam Art and Literature Publishers.
- Tsugitaka,S.(2009). *Islamic Urbanism in Human History; political power and social networks*. London: Rutledge.
- WHLV.(1996).*Archaeological Site of Volubilis*. Available from:<http://whc.unesco.org/en/list/836> (accessed: 10 April 2017).